

نگاه

جذب نیروی متخصص برای تفحص



با گذشت ۴ دهه از جنگ تحمیلی فعالیت جست‌وجوگران شهدا نشان از تلاش بی‌وقفه آنان برای پیدا کردن پیکر شهدای دوران دفاع‌مقدس دارد. گروه‌های تفحص در این سدت در مناطق مختلف عملیاتی همچون شلمچه، فکه، شرق دجله، مهران، کردستان عراق و... مشغول کاوش شهدا بوده‌اند. ادامه عملیات تفحص بیرون مرزی شهدا در خاک عراق منجر به کشف تعداد دیگری از شهدا شده است. برای این کار کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح نیاز به نیروی متخصص مهندسی رزمی، امدادگر و تخریبچی برای تفحص شهدا دارد ازاین‌رو سردار سپیدمحمدباقرزاده فرمانده این کمیته می‌گوید: «ابه نیروی

بافت

روزهای سخت تفحصی و شناسایی شهدای گمنام

آلتاز عباسیان دبیر صمیمیه پایتاری

«گرچه می‌دانم نمی‌آیی ولی هر دم ز شوق / اسوی در می‌آیم و هر سو نگاهی می‌کنم» این بیت شعر وصف حال مادران و پدران چشم به راهی است که پاره نتشان را برای دفاع از میهن به جبهه فرستادند و اینک سال‌هاست که چشمانشان خیره به ما مانده است. نه نشانی، نه خبری، نه اثری از جگرگوشه‌هایشان! گاهی دلخوشی شان رفتن به دادایم. درحالی‌که واقعیت این است که ما به آنها «گمنام» لقب کنار مزار شهدایی است که ما به آنها «گمنام» لقب داده‌ایم. درحالی‌که واقعیت این است که آنها پراورازه‌ترین انسان‌های روی زمین هستند؛ شهدایی که گرچه پدر و مادرانشان بر سر مزارشان نیستند اما در عوض صدا و شایدهم هزاران هزار دست مزارشان را نوازش می‌کنند و برایشان دعا می‌خوانند. اما در میان این ستارهای زمینی، شهدایی هم هستند که تقدیر الهی سرگذشت متفاوتی برای آنها رقم زده است؛ شهدایی که غریبانه بر کشیدند و حتی بعد از شهادت‌شان هم در غربت، زیر خورواو‌ها خاک ماندند. داغ‌شان کمرها خم کرد، حسرت‌ها بر دل نشاند و چشم به در دوختن را به زندگی عزیزان‌شان دوخت. حالا بعد از تقریباً ۴۰ سال، دلخوش‌اند به پیداشدن استخوان‌های جگرگوشه‌شان... چشم دوخته‌اند به شناسایی پیکرهای آنها. البته در این میان هم هستند غافلانی که با هر خبر تشییع شهدای گمنام، می‌گویند: «دیگر چند پاره استخوان بعد از این همه سال چه تشییعی دارد؟» و یا اینکه روی این حرکت معنوی در شهر، انگ‌های سیاسی می‌زنند. سخت در اشتباه‌اند و بی‌خبر که همین چند پاره استخوان به قول آنها، چه آبی می‌شود روی آتش جان مادر و پدران‌شان. حواس‌مان باشد نکند حرفی بزنییم و نمکی شود روی زخم این دلشکسته‌های وطن. مادری که بعد از گذشت ۴۰ سال هنوز هم امید به بازگشت فرزندش دارد... مثل مادر شهید جاویدالانتر داوود شعبانلوآزادی که وقتی از شهید خانواده می‌پرسم، مادر از پاسری که قرار است این روزها بر گردد حرف می‌زند. حیران و سرگردان این عشق‌مادر به فرزند می‌مانم و با خود می‌گویم نکند داوود این مادر بر گشتنی است؟ حواس‌مان به دل پدرانی که زیر بار این قدم قد خم کرده‌اند باشد. مثل پدر شهیدی حسین کاشکی که ما را به کوچه برد و جای خالی پسرش را نشان داد؛ پدری که هنوز هم به همه عکس‌ها ۴ پسرش را می‌دهد و می‌گوید: «عکس حسین من است، اگر جایی دیدی، بگو بدمت منتظر توست بیات» عکسی که به تبرک از پدر شهید هنوز هم کنار من نیست. با دقت در این مسائل، نظرش به روشنی جلب شد که برای شناسایی این اجساد به کار می‌برند و این همان روشی است که امروز برای تعیین هویت شهدای گمنام به کار می‌برند؛ روشی که دکنتر محمود تولایی، رئیس پیشین مرکز تحقیقات ژنتیک نورو، از آن با عنوان نمونه‌برداری DNA یاد می‌کند. او که بنیانگذار شناسایی شهدا با انجام آزمایش DNA در ایران است در ادامه درباره روند شناسایی شهدای گمنام با این روش را بر ایمان به زبان ساده‌تر توضیح می‌دهد.



گفت‌وگو با دکتر محمود تولایی، رئیس پیشین مرکز تحقیقات ژنتیک نور و بنیانگذار شناسایی شهدا با انجام آزمایش DNA در ایران

مردی که شهید را از گمنامی در می‌آورد

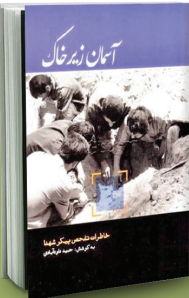
مهناز عباسیان روزنامه‌نگار

زمان وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و حمله به برج‌های تجارت جهانی در آمریک، در اروپا مشغول به تحصیل بود. با پیگیری اخبار متوجه شدم که تعداد زیادی از افرادی که در این برج بودند، زیر آوارها مانده و پیکرهایشان زیر آن حجم عظیم مصالح ساختمانی یا متلاشی شده و یا به قدری از بین رفته که هرگز قابل شناسایی نیست. با دقت در این مسائل، نظرش به روشنی جلب شد که برای شناسایی این اجساد به کار می‌برند و این همان روشی است که امروز برای تعیین هویت شهدای گمنام به کار می‌برند؛ روشی که دکنتر محمود تولایی، رئیس پیشین مرکز تحقیقات ژنتیک نورو، از آن با عنوان نمونه‌برداری DNA یاد می‌کند. او که بنیانگذار شناسایی شهدا با انجام آزمایش DNA در ایران است در ادامه درباره روند شناسایی شهدای گمنام با این روش را بر ایمان به زبان ساده‌تر توضیح می‌دهد.

معرفی کتاب

آسمان زیر خاک

خاطراتی از تفحص شهدا



«آسمان زیر خاک» خاطرات برگزیده از کتاب «تفحص» است که پیش از این به قلم حمید داوودآبادی منتشر شده بود. تصاویر رنگی و بکر مرتبط با خاطرات، از جمله ویژگی‌های این کتاب است. داوودآبادی پیش‌تر در کتاب تفحص طی تحقیق میدانی در مناطق عملیاتی تفحص و گفت‌وگو با پیشکسوتان تفحص و جست‌وجوی پیکر مطهر شهدا به پرسش‌های همچون چگونه و چرا پیکر شهدا در مناطق جنگی باقی می‌مانند؟ چگونه و به چه وسیله پیکر شهدا پس از سال‌ها، پیدا می‌شوند؟ چگونه استخوان‌های شهدای ایرانی و اجساد عراقی تفکیک می‌شوند؟ چگونه پس از سال‌ها، مکان دفن شهدا در مناطق عملیاتی شناسایی می‌شود؟ و چرا نیروهای تفحص در عملیات کشف شهدا، خود

مطالعه روی DNAهایی بود که از خون استخراج می‌شد اما در مرکز نور، کار مادر رابطه با احراز هویت شهدای گمنام با بررسی روی یک بافت سخت مثل استخوان آغاز می‌شد که ممکن بود با آسیب سوختگی نیز همراه شده باشد. این یک فرایند دشوار، بسیار تخصصی، زمانبر و نیازمند صبر و شکیبایی و در عین حال پر هزینه و نیازمند تکنولوژی به روز است، متلازمانی که با نمونه‌ای از یک استخوان مواجه هستیم باید بتوانیم که چطور آن را تبدیل به پودر کنیم که آسببی به DNA وارد نشود. بعد از آن چطور سفرد، کلسیم و سایر مواد معدنی والی را از جدا کنیم که در نهایت به «سیدنوکلئیک» برسیم. از آغاز تأسیس مرکز نور تا به امروز، گام به گام مطالعات و تحقیقات ما توسعه پیدا کرده است، با دانشجویهای کارشناسی ارشد، دکتری و سایر کارشناسان این حوزه کارهای مطالعاتی انجام داده‌ایم. در هر مرحله و هر فاز بخش‌های از مسائلی پیچیده حل شده است. امروز دیگر این مرکز تحقیقاتی به مرحلای رسیده است که در کمترین زمان می‌تواند به شناسایی و تعیین هویت شهدا منجر شود.

عملافاز عملیاتی این طرح از کی آغاز شد؟

تحقیقات در زمینه شناسایی شهدا از سال ۱۳۸۱ آغاز شد. در این تحقیقات که با همکاری کمیته جست‌وجوی مفقودان آغاز شد تمام پیکرها یا نمونه‌هایی که در عملیات جست‌وجو و تفحص در محدوده‌های مرزی و بیرون مرزی به‌دست می‌آید در اختیار تیم اجرایی برای انجام آزمایش قرار می‌گیرند. هر یک از پیکرهایی که به‌دست ما می‌رسد، پرونده معاینه فیزیکی تهیه و با ثبت ویژگی‌های ابعادی و مشخصات و تصویربرداری تکمیل پرونده می‌شوند و پس از برداشتن نمونه در حد چند گرم، برای انجام تست آزمایش‌های مربوط به تعیین هویت، مابقی بقایا به معراج منتقل می‌شود؛ چرا که براساس فتاوی مراجع عظام، جایز نیست که پیکر مسلمان روی زمین نگهداری شود. لذا در معراج شهدا برابر ضوابط جاری نمونه‌های نگهداری و یا برای دفن در یادمان‌ها و اماکن اقدام می‌شود.

بررسی آناتومیک و پیکره نگاری (انتروپولوژی) بخشی از روش‌های تحقیقات روی نمونه‌های به‌دست آمده است. براساس استاندارد دهای انتروپولوژی، گزارشی از وضعیت پیکر تهیه می‌شود. در بخش آناتومی، درصورت موجود بودن استخوان‌هایی چون جمجمه و استخوان‌های اندام فوقانی و تحتانی به‌ویژه ابعاد و انداز، وضعیت سر استخوان‌های طولی، وضعیت دنداننی، ویژگی‌های مهره‌ها و سایر شواهد مطرح در عرصه سلامت فیزیکی و وجود آثار پاتولوژیک نظیر لنگش یا و یا شکستگی‌های ترمیم یافته و یا جدید و نظایر آن، بررسی و براساس شواهد آناتومیک فرد در زمان شهادت، سن شهدا با دقت تخمین زده می‌شود.

چطور خانواده‌ها را در جریان این طرح قرار دادید؟ استسقبال خانواده‌های شهدای چشم به راه چطور بود؟

به‌طور کلی مرکز ژنتیک عهده‌دار انجام تمامی مراحل آزمایشگاهی است و ارتباط با خانواده‌برعهده ۳ سازمان دیگر است بخش اول آن دسترسی به خانواده‌های دارای فرزند مفقود و جاودالانتر است که این کار توسط ادار ایثار گران سپاه و همکاری ایثارگران سایر نیروهای مسلح صورت می‌گیرد. و گروه هدف، جهت اخذ نمونه خون از خانواده‌ها، تعیین و نمونه‌برداری با همکاری بخش‌های بهداشت و درمان نیروی مسلح یا بسیج جامعه پزشکی انجام می‌شود. نمونه‌های اخذشده به مرکز ژنتیک تحویل می‌شود. بخش باسختگویی به خانواده‌های مفقودان و همچنین اطلاع‌رسانی پس از شناسایی به

باتشابه ژنتیکی چه می‌کنند؟

نقطه آغاز تمام سلول‌ها یک سلول جنینی است که نیمی از اطلاعات این سلول مربوط به پدر و نیمی مربوط به مادر است که اساس مطالعات ما برای شناسایی شهدا از طریق دست‌یابی به ماده‌اصلی ژنتیک که DNA است که از این طریق احتمال خطا یا پیدایش افراد مشابه بسیار دقیق و کم‌خطا در حد یک در ۵۰۰ میلیون خواهد بود. با دست‌یابی به DNA اقدام به انجام آزمایش‌های مربوط به تعیین تاراف می‌شود. از اطلاعات به‌دست آمده بر فوایل‌هایی تهیه می‌شود و به‌منظور تطبیق اطلاعات به‌دست آمده از شهدا یا خانواده‌های مفقودان در بانک اطلاعات داده ذخیره می‌شود و شامل ۲ بانک اطلاعات

خانواده شهید، بنیاد شهید و سایر سازمان‌های مسئول کشوری بر عهده عضو کمیته جست‌وجوی مفقودان و ستاد معراج‌الشهدا است.

خاطره‌ای از شناسایی شهید گمنامی دارید؟ از یازخورد خانواده‌ها بعد از شناسایی فرزندشان، بی‌شک در این مسیر شهدای حی حاضرند و به قول معروف گرامی دهند. از کرامات شهدا در مسیر شناسایی‌شان بگویند.

قطعا بخش عمده توفیقات در امور شهدا، هر م‌هون عنایت خود شهدا و دعای خانواده‌هاست. زیرا گاهی مواردی بوده‌است که با وجود بارها تکرار آزمایش، DNA مطلوب جهت انجام آزمایش‌ها به‌دست نیامده است، کاری که به‌صورت روتین انجام می‌شد و منجر به توفیق بوده‌است اما در موارد خاصی، آزمایش به مرحله مورد انتظار نمی‌رسد و من چنین تعبیر می‌کنم که چون خود مشتاق گمنامی بوده‌است، اسباب و شرایط مادی نیز در این جهت قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر هم بسیار بوده‌اند امثال شهید ابوطالبی (شهید مدفون در کف‌الشهدا) که به‌دلیل یک خطا (نوشتری در ثبت اطلاعات پرونده اولیه، مغایرتی پیش آمده بود که‌امور شناسایی تکمیل نشده بود اما با خواب مادر از شهید عزیز و تماس تلفنی این مادر بزرگوار، مجدد پرونده و نمونه‌های شهید عزیز مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً به شناسایی شهید مجدد ابوطالبی منجر شد. در مواردی هم بنا به دعوت ستاد معراج‌الشهدا، از ما برای همراهی در اطلاع‌رسانی به خانواده شهید دعوت به عمل می‌آمد که شاهد احساس پاک خانواده و ابراز احساسات آنها بوده‌ایم و همین تأثیر شایسته و آرامش خاطر متعاقب برای خانواده، همکاران ما را در ادامه مسیر مشتاق تر کرده‌است.

چه حسی دارید از اینکه با علم و دانش خود چنین کار بزرگی را برای خانواده‌های شهدا و قهرمانان این مرز و بوم انجام دادید؟

اینکه علم بتواند در مسیر پاسخ به رفیع نیاز جامعه قرار گیرد، به علم نافع منجر خواهد شد و اینکه فردی توفیق یابد که در این مسیر خدمت کند، یک توفیق الهی است و من از اینکه لافل ۲۰ سال از عمر خودم تخصصی خود را در این راه هدیه کرده‌ام، شاکر خداوند متعال هستم.

در حال مشغول چه کاری هستید؟

به هر حال در هر خدمت اداری و س‌سازمانی، پایانی هست و اینک بعد از ۴۰ سال خدمات علمی، پژوهشی و اجرایی در بخش دولتی بازنشسته شدم، آغازگر فعالیت‌های تخصصی دیگری در بخش خصوصی شدم و امیدوارم به‌واسطه اهداف بلندگی که برای فعالیت فعلی دارم، به خدمات ارزشمندی برای جامعه منجر شود. به لطف خدا امروز شهدای گمنام ماباعت رشد تکنولوژی و پیشرفت در ارائه خدمات مرتبط با این زمینه و دیگر عرصه‌های تخصصی در کشور هم شدند تقریباً حدود ۴۰۲ سال ما با ابعاد مختلف این موضوع طرح‌های پژوهشی زیادی را اجرا کردیم و هم‌زمان هم باسختگویی به خانواده‌ها را در دستور کار داشتیم. باین حال در ابتدا داستیابی به روش‌های بهینه بسیار زمان صرف شد و زمان‌ت طول می‌کشید ولی خب رفته‌رفته تسلط ما بر همه روش‌ها و تکرار کار با بافت‌های سخت و نمونه‌های آسیب‌دیده و استخوانی فراهم شد و کم‌کم بر سرعت پاسخگویی و ارائه خدمات ما هم افزوده شد. در پایان آرزو دارم که این خدمات ناقابل‌مرضی خداوند متعال، دوستان هم‌رزم و شهیدم و خانواده‌عظیم شهیدان، باشد.



به شهادت می‌رسیدند؟ و... پاسخ داده است. در بخشی از کتاب اینگونه به بیان عملیات تفحص پرداخته است: کسی که زیارت عاشورا می‌خواند در میان مداحی از امام رضاع (طلب کرد که دست ما را خالی نرگرداند. سیدنا محمد میرطاهری نقل می‌کند: «غروب شد، ناکام و ناامید دم آخر کار هنگام فرو رفتن بیل در خاک یک کیسه لباس جلب توجه کرد. شهیدی آرام خفته به خاک، یکی از جیب‌های پیراهن نظامی‌اش را باز کردیم تا کارت شناسایی و مدرکش را خارج کنیم. در کمال حیرت و ناباوری دیدیم که یک آینه کوچک که پشت آن تصویر این از تمثال امام رضاع) نقش بسته بود به چشم می‌خورد؛ از آن آینه‌هایی که در مشهد در حرم امام رضاع) می‌فروشند. گرمی‌مان در آمد. همه اشک می‌ریختند. جالب‌تر و سوزناک‌تر از همه زمانی بود که از روی کارت شناسایی‌اش فهمیدیم نامش سیدرضا است. پیکر شهید را به ورامین نزد خانواد‌اش بردند و مادر شهید بی‌خبر از ماجرا می‌گوید: «بسیرم عشق و ارادت خاصی به امام رضاع) داشتم.» علامه‌مندان برای تهیه این اثر می‌توانند به وبسایت نشر یازهر(اس) مراجعه کنند و یا با شماره تلفن‌های ۶۶۴۶۲۷۵ - ۶۶۴۶۲۱۱ تماس بگیرند.

روایت

ماجرای عجیب شناسایی دوسر عموی گمنام

شهید عبدالحسین عرب‌نژاد متولد ۱۳۴۸ بود او در ۱۹ سالگی و در سال ۶۷ در عملیات بیت‌المقدس ۷ مفقودالانتر شد تا اینکه نتایج آزمایش DNA مشخص کرد که او یکی از ۵ شهید گمنام مدفون شده در مسجد فائق تهران است. این در حالی است که چند سال قبل طبق خوابی که دیده شده بود مشخص شد پسر عموی شهید عبدالحسین عرب‌نژاد به نام شهید حسین عرب‌نژاد هم یکی از شهدای گمنامی است که در مسجد فائق به خاک سپرده شده‌است. شهیدان عرب‌نژاد هر دو اهل استان کرمان، شهرستان زنده و شهر خانوک هستند که اکنون پیکر‌شان در تهران به خاک سپرده شده‌است.

مصطفی عرب‌نژاد، برادر عبدالحسین از این ماجرا چنین می‌گوید: «پسر عموم دقیقاً در روز از آذانسازی خوشمهر شهید شد. چند سال پیش فردی به نام یزدی‌زاده در منطقه کاظم‌آباد کرمان خواب می‌بیند که شهیدی به او می‌گوید من حسین فرزند اکبر هستم که خانواده‌ام در خانوک زندگی می‌کنند برو به آنها بگو من جزو شهیدایی هستم که در ۲۱ رمضان در تهران به خاک سپرده شدند.

بگو من شهید وسطی هستم. با پیگیری‌های بسیار، خانواده عموم را پیدا کرده و این خبر را می‌دهد. بعداً مشخص می‌شود در ۲۱ رمضان فقط شهید گمنام در تهران تدفین شده‌اند که آنها هم در مسجد فائق به خاک سپرده شده‌اند. حتی معلوم شد شهید وسطی دقیقاً در همان منطقه‌ای تفحص شده که حسین عرب‌نژاد شهید شده. به‌این ترتیب صاف‌لقه‌بوون این رویار همه مشخص شد.» برادر شهید عرب‌نژاد در ادامه از نحوه تشخیص هویت برادرش می‌گوید: «چند نفر از دوستان برادرم شهادت‌تس در عملیات بیت‌المقدس ۷ در منطقه شلمچه را تأیید کرده بودند. حتی دو نفر از هم‌راهان برادرم که در آن منطقه بودند پیکر‌شان بعد از ۴ سال پیدا شد، اما پیکر برادرم هیچ‌گاه بازنگشت. تا اینکه خبردار شدیم برخی از شهدای گمنام با آزمایش DNA کار خانواده‌هایمان گرفته می‌شود، شناسایی می‌شوند. ما هم بعد از شنیدن این موضوع برای دادن آزمایش DNA اقدام کردیم. در کمتر از چندماه اعلام شد که میان شهیدی که در مسجد فائق به خاک سپرده شده‌اند دومین شهید از سمت چپ یعنی دقیقاً سمت راست پسر عمویم، شهید عبدالحسین عرب‌نژاد، برادر من دفن‌است. منطقه تفحص آن شهید و محل شهادت برادرم هم یکی بود. برادرم در منطقه عملیاتی شلمچه پشت کانال ماهی شهید شد»